

## حرکت متحد کارگران نساجی های سنندج

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

یکشنبه بیست چهارم شهریور ۱۳۸۷

کارگران سه کارخانه مهم نساجی در شهر سنندج در طول روزهای اخیر دامنه مبارزات خویش را گسترش دادند. کارگران نساجی کردستان، غرب بافت و پرریس دست در دست هم به گونه ای سازمان یافته و برنامه ریزی شده در خیابان های سنندج به راه پیمایی پرداختند و با سردادن فریاد اعتراض علیه مظالم سرمایه خواستار پرداخت فوری مطالبات خود و تضمین قطعی اشتغال و ادامه کار خویش شدند. حرکت متحد کارگران بسیار ارزنده و امیدبخش است. تا همین جا نهادهای دولتی سرمایه و از جمله اداره کار در مقابل این خیزش جمعی دست به عقب نشینی زده اند و با احساس خطر از گسترش این مبارزات دست به کار وعده و وعید و گرفتن ژست های دروغین به نفع کارگران شده اند. عمال دولتی سرمایه با مشاهده عروج خشم کارگران این چنین وانمود می کنند که گویا برای بازگشت به کار کارگران غرب بافت و نساجی کردستان به سر کار خویش مترصد فشار علیه سرمایه داران هستند!! آن ها همچنین تلاش کرده اند تا با سلاح وعده و ترفند کارگران پرریس را به ختم اعتصاب و شروع کار متقاعد سازند. مبارزات کارگران از آغاز تا امروز از پاره ای نقاط قوت اساسی برخوردار بوده است. پافشاری بر تحقق مطالبات، ادامه پیکار، تحکیم پایه های اتحاد و گسترش همدلی، برنامه ریزی اعتراضات متحد و دسته جمعی و نوع این راهکارها همه واجد اهمیت هستند و همگی وجوه واقعی قوت مبارزات روز کارگران را به نمایش می گذارند. این مبارزات اکنون در موقعیتی قرار گرفته است که تضمین تداوم یا هر سطح از پیروزی آن در گرو هوشیاری، ابتکار عمل و توسل به راهکارهای مؤثر و کارساز است. سرمایه دار صاحب غرب بافت با بازگشت چند کارگر موافقت کرده است و در مورد بقیه بیکارشدگان به دادن وعده چند ماه بیمه بیکاری اکتفا کرده است. در مورد کارگران نساجی کردستان جز وعده و وعیدهای توخالی نهادهای دولتی یا حرف های این یا آن دولتمرد فریبکار سرمایه هیچ چیز دیگری در دست توده های کارگر نیست.

جمع بندی درست از روند مبارزات کارگران از آغاز تا امروز به علاوه کل تجارب حاصل از تاریخ جنبش کارگری بین المللی به ما می گوید که اعمال قدرت و فشار دادن گلوی سرمایه تنها سلاح دست ما برای گرفتن هر میزان از مطالباتمان است. ما تا اینجا در همین سطح از اعمال قدرت توانسته ایم عمال دولتی سرمایه را مجبور کنیم که برای رفع خطر از سر سرمایه از همه سو به دست و پا افتند و با دروغ و ترفند و عوام فریبی وانمود کنند که گویا می خواهند کاری به نفع ما انجام دهند. صاحبان سرمایه نیز با تبنای دولتمردان تشخیص داده اند که باید ولو بسیار مزورانه و عوام فریبانه برخی عقب نشینی های محدود را بپذیرند. در این جا و در این حلقه از زنجیره تداوم مبارزه سه نکته بسیار مهم در پیش روی ماست. نخست این که هر نوع باور به هر میزان دخالت نهادهای دولتی به نفع ما انداختن طناب دار بر گردن خودمان است. آن ها فقط با احساس وحشت از گسترش اعتراض و ابراز قدرت ما وارد میدان شده اند و هر قول و وعده ای که می دهند یا هر حرفی که ظاهراً بر خلاف میل کارفرمایان بر زبان می رانند دروغ محض است. هدف آن ها از همه این تلاش ها رفع خطر پیکار توده های طبقه ما از سر سرمایه داران است. نکته دوم این که توافق

احتمالی صاحبان سرمایه با این یا آن خواست ما در مورد تضمین اشتغال آتی نیز فاقد هر نوع ضمانت اجرائی است. واقعیت این است که همه آنچه اینان اعم از سرمایه دار یا دولتمرد سرمایه انجام می دهند، تاکتیک مشترک روز آن ها برای غلبه بر مبارزه ما و خریدن فرصت برای اجرای نقشه های خویش است. سومین و مهم ترین نکته این است که ادامه پیروزمند مبارزات ما مستلزم تداوم رشد یابنده شیوه ها و راهکارهای کارساز اعمال قدرت علیه سرمایه است. مبارزات تا کنونی ما در مجموع شرایطی را پدید آورده است که اولاً توانایی ما برای توسل به راهکارهای تعیین کننده تر و مهم تر را بالا برده است و ثانیاً شکست بن بست های سر راه آن به اتخاذ این راهکارهای کارسازتر و مؤثرتر موکول گردیده است. ما باید درست در بطن همین مبارزات خود را برای تصرف هر سه کارخانه نساجی کردستان، غرب بافت و پرریس آماده کنیم. دولت سرمایه در تدارک است تا در ازای بازگشت چند نفر ما به کارخانه، بخش بسیار عظیمی از محصول کارمان را در شکل وام های سنگین و سایر کمک ها به صاحبان سرمایه تقدیم کند. سؤال مهم پیش روی ما این است که چرا ما صاحبان واقعی این کارخانه ها، ما تولید کنندگان واقعی سرمایه های کل این کارخانه ها، دست به تصرف آنچه خود تولید کرده ایم نزنیم؟ چرا ما همان گونه که در مبارزات تا کنونی خویش نشان داده ایم به اعمال قدرت وسیع تر و سازمان یافته تر علیه سرمایه متوسل نشویم؟ چرا ما دولت سرمایه داری را مجبور نکنیم که همه این تسهیلات و امکانات را به صورت کاملاً رایگان در اختیار خودمان قرار دهد؟ کارخانه ها مال ماست. ما آن ها را آفریده ایم. تمامی دار و ندار آن ها حاصل کار و استثمار سالیان دراز ماست. سرمایه داران و دولتمردان سرمایه در مقابل موج خشم و قهر ما به صورت مصلحتی و تاکتیکی دست به این یا آن عقب نشینی می زنند. این کارها و ترفندها نباید ما را فریب دهد. تا اینجا بسیار خوب جلو رفته ایم. وظیفه روز و گام کنونی گسترش مبارزه و تضمین کننده موفقیت ما تدارک آگاهانه و سنجیده و برنامه ریزی شده تصرف هر سه کارخانه است. ما در اتحاد با هم توانسته ایم سرمایه داران و نهادهای دولتی را مجبور به شنیدن حرف های خویش کنیم. با تشکیل شوراهای ضد سرمایه داری برای تصرف هر سه کارخانه، با روی کردن به همه همزنجیران خویش در سراسر ایران و جهان، با تشویق کارگران نیشکر هفت تپه، لاستیک البرز، لوله سازی خوزستان و کارگران ۲۰۰ کارخانه درحال تعطیل دیگر به انجام کارهای ما برای تصرف کارخانه های خود، با سازمانیابی سراسری حول «منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران» می توانیم موقعیت روز جنبش طبقه مان را به کلی عوض کنیم. موفقیت مبارزه طبقاتی ما درگرو عبور از این گذرگاه است. بقیه راه ها به گورستان تسلیم و سازش ختم می شود.

## **کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

**برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در معرض تعطیل را به تصرف خود درآوریم!**

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۲۳ شهریور ۸۷

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[hamaahangi@gmail.com](mailto:hamaahangi@gmail.com)